

ضرورت جهانی چند زبانه بودن برای نجات از دیکتاتوری زبان انگلیسی

برای تمام فرهیختگان «OFFSHORE» جهان، حرف زدن به زبان انگلیسی اولین نشانه تشخیص است. اما بین اطاعت آگاهانه و یا از سر تسلیم از ابر قدرت آمریکا و پذیرفتن زبان انگلیسی به مثابه تنها ابزار ارتباطات بین‌المللی، رابطه‌ای منطقی وجود دارد. در حالی که زبان چینی، یا زبان‌های رومن (اگر دارای سیستم فهم متقابل در درون این خانواده به وجود بیاید) و به زودی زبان عربی می‌توانند نقشی مشابه را داشته باشند. مهم وجود اراده سیاسی در این مورد است.

اتحادیه اروپا آشکارا سیاسی و بی ارتباط با نیازهای "ارتباطاتی" بوده و تنها مفهومی بنا شده بر حسب نگرش به آینده اروپا و دنیا و مخصوصا ارتباطشان با ایالات متحده می‌باشد.

تسلط جهانی آمریکا [یا فرمانروایی جهانی آمریکا] تنها بر سازه‌های مادی تکیه نکرده (ظرفیت‌های نظامی و علمی، تولید بهترین‌ها و خدمات‌رسانی، کنترل مسیرهای انرژی و [مجراهای] پولی و غیره) بلکه و خصوصا با استیلا بر اذهان با مراجع و نشانه‌های فرهنگی و به‌ویژه نشانه‌های زبانی در می‌آمیزد. هم‌چنین، زبان انگلیسی در مرکز سیستمی جامع جای گرفته و نقشی همانند نقش دلار در سیستم پولی بین‌المللی ایفا می‌کند. با وام‌گیری^۳ از واژه‌نامه اخترشناسی [می‌توان گفت که] این سیستم متکی بر حضور ستاره‌ای برتر (انگلیسی زبان مرکزی خوانده می‌شود) بوده که یک دوجین سیاره زبانی به دور آن چرخیده و هر یک از این سیاره‌ها با حدود ۲۰۰ قمر زبانی که در مدار آن‌ها حدود ۶۰۰۰ زبان دیگر می‌چرخند، احاطه گشته است. همه چیز مانند اساس‌نامه دوگانه روش پرداخت و ذخیره بین‌المللی پول، تمیز داده شده با اسکناس سبز، به ایالات متحده با کمک صدقه‌های قسمت دیگر سیاره اجازه حیات می‌دهد، ضمن این که تملک زبان مرکزی نیز به آنان موقعیت درآمدی شگفت‌انگیزی اعطا می‌کند.

نخست، یک عایدی ایدئولوژیک چرا که این امر باعث تحریک نواخ اقصا نقاط دنیا [یعنی همان] بخش برون مرزی امریکایی شده و آنان را [وادار] به همراهی با

آن مینک این رویا را در سر داشت و زمان کمی لازم بود تا آقای کلود تلو به آن تحقق بخشد. آن مینک اولین کسی بود که بعد از سال ۱۹۸۹، شیفته پیشنهاد آموزش اجباری زبان انگلیسی از آغاز تحصیلات ابتدایی شد. [پیشنهادی که] تا زمان تسلط کامل به زبان انگلیسی اجازه انتخاب زبان خارجی دیگری نمی‌داد و تحکیم روش‌های آموزشی و آشناسازی با این زبان در طول دوران تحصیل هم‌چنان که ریاضیات و یا درست نویسی (املا) ... را پیش شرط قرار می‌داد^۱. اما کلود تلو به عنوان مدیر هیات مناظره^۱ ملی در آینده مدارس گزارشی را به فرانسوا فیون وزیر آموزش ملی ارائه داد که در آن فراگیری اجباری "زبان انگلیسی لازم برای ارتباطات بین‌المللی" را از سال دوم ابتدایی یعنی سن هشت سالگی توصیه می‌کرد^۲. اگر چه وزیر محتاطانه تنها ایده آموزش یک زبان زنده از کلاس اول ابتدایی را حفظ کرد. اما در عمل، نتیجه کار تقریبا یک‌سان است چرا که فشارها، خصوصا فشارهای رسانه‌ای برای تبدیل زبان انگلیسی به تنها زبان "ارتباط بین‌المللی" بی‌آن که دلیل آن را متوجه شویم، زیاد است^۳. عدم تفکر کافی بر بیان این سه مشخصه که شامل: واقعیت و پیش‌بینی نیازهای زبانی حقیقی تمام شهروندان (و نه تنها نیازهای بازنمائی شده توسط انجمن‌های اولیا و مربیان)، جغرافیای سیاسی زبانی و جغرافیای سیاسی به تنهایی است، باعث شد تا گزارش‌های ارائه شده توسط هیات تلو تنها شایسته حرف‌های پای پیشخوان کافه باشد. پیشنهاد آموزش اجباری زبان انگلیسی در فرانسه و یا دیگر نقاط

می‌توانند از نظر آموزشی به‌عنوان زبانی واحد و یگانه تلقی گردند.

روش‌های موجود، مفهومی تخیلی نیست که تنها نیازمند بسط و گسترش باشد. چنین دسته‌بندی منجر به طرح حجمی از انتقادات بین‌المللی می‌شود: زبان‌های رومن زبان رسمی در ۶۰ کشور هستند. ۳۰ کشور برای زبان فرانسه، ۲۰ کشور اسپانیایی زبان، ۷ کشور پرتغالی زبان، ۲ کشور برای زبان ایتالیایی (ایتالیا و سوییس) و ۱ کشور برای زبان رومانیایی. کشور آندور را هم برای زبان کاتالان اضافه می‌کنیم. انگلیسی تنها در ۴۵ کشور دنیا زبان رسمی است و زبان عربی در ۲۵ کشور.

اگر معتقد به ضرورت تنوع زبانی در اروپا هستیم منطقی خواهد بود که به آموزش تمام زبان‌ها به غیر از (زبان‌های محلی و آسیایی) و یا خانواده‌های زبانی به غیر از انگلیسی پردازیم.

زبان جاری، مفهیمی که این زبان بیان می‌کند و بینش جهانی که این زبان را انتقال می‌دهد، می‌کند. همان‌طور که آقای کلود ها ژژ استاد کالژ دو فرانس خاطر نشان می‌کند: "طبقه متوسط از اعتبار و شخصیت نواخ صنعتی و اقتصادی (قلمرویی که به اندازه کافی از آن صحبت نمی‌کنیم) تقلید کرده و از این روست که می‌خواهد زبان انگلیسی را بیاموزد".^۵ یقیناً، ارزش‌های معنوی که رییس جمهور جورج دبلیو بوش مبارزات انتخاباتی و پیروزی‌اش را بر اساس آن بنا کرد با توجه به تناقضی که با تشنه‌گان این "مدل" امریکایی دارد، دیری نخواهد پایید. چنین عایدی‌ای [برای] کشورهای انگلیسی زبان اقتصادی نیز می‌باشد چرا که کشورهای دیگر هزینه فراگیری و ترجمه از (و یا به) زبان انگلیسی را می‌پردازند.

آموزش این زبان از نظر روش‌های [مورد استفاده] ابزار ارزش‌یابی و کادر آموزشی تبدیل به صنعتی واقعی و مقر صادراتی قابل توجه برای ایالات متحده و انگلستان گشته است. زمانی که کمیسیون اروپایی، بدون رعایت اساس نامه زبانی اتحادیه، بسیاری از برنامه‌ها و مزایده‌های اشتراکی را تنها به زبان انگلیسی منتشر کرده و بر لزوم پاسخ گوئی به آن‌ها به این زبان پافشاری می‌کند به ناروا شرکت‌ها و نهادهای کشورهای انگلیسی زبان را مورد عنایت قرار داده وانگهی، دیگران را وادار به پرداخت هزینه اضافی‌ای برای ترجمه پاسخ به مزایده‌ها می‌کند. آیا این همان "رقابت آزاد و تحریف نشده" معروف است که پروژه "ساختار [(قانون اساسی)] اروپا" دائماً به آن ارجاع می‌گردد؟

این مشخصه‌های ایدئولوژیک و اقتصادی به طور دو جانبه همدیگر را تقویت کرده و در تثبیت تک قطبی زبانی جهان سهیم می‌شوند. پس برای دستیابی به جهانی چند قطبی باید دارای نظم جهانی چند قطبی بود. این [دستیابی به جهانی چند قطبی] مستلزم سلب انحصار محوری بودن از زبان انگلیسی چه از نظر نمادین و چه به صورت مادی است. پاسخ، هر چند ناکافی مبتنی بر آشنائی با مفهوم "خانواده‌های زبانی" و فراگیری درک متقابل در بطن این خانواده‌ها به ویژه آنانی که در زیر مجموعه خانواده‌های رومن قرار می‌گیرد، خواهد بود. از این دید، زبان‌های رومن

از نظر جمعیت شناسی در چشم انداز سال ۲۰۲۵ پراکندگی [جمعیت]، ۱ میلیارد و ۵۶۱ میلیون چینی، ۱ میلیارد و ۴۸۰ میلیون نفر اتباع کشورهای انگلیسی زبان، ۴۸۴ میلیون نفر اسپانیایی زبان، ۲۵۸ میلیون نفر پرتغالی زبان و ۵۰۶ میلیون نفر فرانسه زبان خواهد بود. (نسبت به آخرین رقم داده شده باید محتاط بود چرا که بسیاری از ساکنان کشورهای رسماً فرانسه زبان قادر به صحبت به این زبان نمی‌باشند هم‌چنین برای مثال در نیجریه که رسماً انگلیسی زبان است تنها اقلیت کمی توانایی تکلم به زبان انگلیسی را دارند).^۶ این پیش‌بینی‌ها به ترتیب بزرگی نیست چرا که به نظر می‌رسد، همراه با دو کشور ایتالیا و رومانی کسانی که به یکی از زبان‌های رومن صحبت می‌کنند و قادر به فهم متقابل می‌باشند در بیست سال آینده در حدود ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر خواهند بود.

در نتیجه این سه مجموعه با اهمیتی قابل مقایسه (انگلیسی، چینی، زبان‌های رومن) و در آینده ای نزدیک زبان عربی (با ۴۴۸ میلیون نفر پیش‌بینی شده در سال ۲۰۲۵) اشتیاقی برابر برای تجسم (تصویر) مرکزیت زبانی

مختلف از قبیل هتل‌داری، شاخه‌های مختلف حقوق، دارایی [اقتصاد] و غیره [از این قبیل است]. کاملاً مشخص می‌باشد که فراگیری زبان‌های یاد شده در مدارس ابتدایی مورد بحث نیست چرا که می‌توان آن‌ها را بعدها و در صورت احساس لزوم در محل کار فرا گرفت.

پس چه زبانی؟ مبانی دستور زبان و واژگان روزمره؟ در نتیجه از این لحظه باید یک "مجموعه" آموزشی را تعریف کرده و به تجهیزات مناسب [منطبق] مجهز شد. بی‌شک چنین روشی نیازی به آموزش [زبان] از شروع تحصیلات ابتدایی تا سال آخر دبیرستان نخواهد داشت. چهار تا پنج سال تحصیلی، قرار گرفته، در هر زمانی از دوران تحصیل به راحتی کافی خواهد بود.

در آسیا زبان چینی تبدیل به زبان ارتباطی شده است. اکنون ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها برای مبادلات بینابینی از زبان انگلیسی و زبان ماندرین [چینی مدرن] استفاده می‌کنند. در کره [اهمیت] زبان چینی قابل چشم پوشی نیست. این زبان ابعادی چون زبان انگلیسی یافته است.

فعلاً و در ساختار موجود برای به مخاطره نینداختن آینده [و عاقبت اندیشی] در اروپا و در مدارس ابتدائی نه تنها یک زبان خارجی بلکه دو زبان خارجی تدریس می‌شود. وانگهی در تصمیم‌گیری شورای اروپایی بارسلونا در پانزدهم و شانزدهم ماه مارس ۲۰۰۲ به زبان انگلیسی به‌عنوان زبان اجباری و یکی از این دو زبان خارجی اشاره‌ای نشده است.

اگر معتقد به ضرورت تنوع زبانی در اروپا هستیم منطقی خواهد بود که به آموزش تمام زبان‌ها به غیر از (زبان‌های محلی و آسیایی) و یا خانواده‌های زبانی به غیر از انگلیسی بپردازیم. اگر که "مجموعه" ذکر شده در بالا تدارک دیده شده باشد در صورت مقتضی، همیشه برای فراگیری فوری زبان انگلیسی به‌عنوان زبان سوم زمان خواهد بود. پس به بیان این مطلب که اروپاییان تنها به زبان انگلیسی قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر خواهند بود، پایان دهیم. در بطن اتحادیه اروپا شمار کسانی که به زبان‌های رومن حرف می‌زنند ۱۷۴ میلیون نفر در مقابل

در سطح جهانی از خود نشان خواهند داد. با صرف نظر کردن [از زبان عربی] زبان انگلیسی تنها زبانی نخواهد بود که قابلیت گسترش (پیشروی) را دارا می‌باشد.

اگر دولت [کشورهای] رومن زبان همگی تصمیم به ارتقاء سیستم آموزشی مربوط به روش‌های فهم متقابل بگیرند، این زبان‌ها متفقاً قادر خواهند بود تا چهره‌ای جهانی و هم مرکز با زبان انگلیسی کسب کنند. برای زبان چینی دومین نامزد این بحث امور سیر [طبیعی] خود را طی می‌کند. آقای جوئل بل لاسن، محقق عمومی این رشته عنوان می‌کند: "که تا دوازده سال آینده صد میلیون جهانگرد چینی به اقاص نقاط جهان سفر خواهند کرد. در آسیا زبان چینی تبدیل به زبان ارتباطی شده است. اکنون ژاپنی‌ها و کره‌ای‌ها برای مبادلات بینابینی از زبان انگلیسی و زبان ماندرین [چینی مدرن] استفاده می‌کنند. در کره [اهمیت] زبان چینی قابل چشم پوشی نیست. این زبان ابعادی چون زبان انگلیسی یافته است".^۷ چه کسی حقیقتاً می‌تواند تصور کند که بیش از یک میلیارد و نیم چینی حتی در شعبات شرکت‌های فرا ملی به زبان ارتباط بین‌المللی غیر از زبان خود مکالمه کنند؟

پیشنهاد آموزش اجباری زبان انگلیسی در فرانسه و یا دیگر نقاط اتحادیه اروپا آشکارا سیاسی و بی‌ارتباط با نیازهای "ارتباطاتی" بوده و تنها مفهومی بنا شده بر حسب نگرش به آینده اروپا و دنیا و مخصوصاً ارتباطشان با ایالات متحده می‌باشد.

از آن جایی که تمام نگاه‌ها مشتاقانه به روی زبان انگلیسی به‌عنوان زبان "ارتباط بین‌المللی" متمرکز شده، خوب است از آن سخن برانیم. آن چه از این زبان می‌شناسیم تنها در محدوده جوامع حرفه ای [است که] دارای واژگان محدود می‌باشد. SMCP که جایگزین زبان کاپیتان‌های کشتی (SEA SPEAK) شده بر اساس زبان انگلیسی توسط افرادی که به زبان‌های دیگر مکالمه می‌کنند طرح‌ریزی شده است. زبان هوایی مورد استفاده خدمه هواپیماها و مراقبین هوایی، انگلیسی تخصصی رده‌بندی شده توسط "تجمع ناملموس" محققین رشته‌های

اگر که آموزگاران زبان در مناظره‌های جهانی، اروپایی و ملی به‌مثابه شهروند شرکت داشته باشند، می‌توان بر عدم پذیرش قابل پیش‌بینی‌شان در مقابل اهداف محدود به "فهم متقابل" فائق آمد. مناظره‌ای ژئوپولیتیک و فرهنگی "کشمکش بزرگ" حقیقی ابتدای قرن، که مورد توجه متجددین [مدرن‌ها] و قدیمی‌ترها نیز بوده است، هر چند که تجدد [مدرنیت] در جایی قرار نمی‌گیرد که "گالوریکان‌ها" می‌پندارند.^{۱۰}

پانوشته‌ها:

۱- آلن مینک، توهم بزرگ، گرسه، پاریس، ۱۹۸۹
 ۲- در ۲۴ ام نوامبر گذشته، جایزه سال ۲۰۰۴ آکادمی قالیچه انگلیسی که به یکی از برجستگان فرانسه که خصوصاً به دلیل سرسختی اش برای ترفیع تسلط [زبان] انگلیسی - امریکایی در فرانسه اهدا می‌گردد، به آقای کلود تلو و جایزه مخصوص [شخصیت] خارجی به آقای کلود تریشه، مدیر عامل بانک مرکزی اروپایی (BCE)، برای بیان «I am not a frenchman» در آغاز به کار خود و سخنرانی در مورد سیاست (BCE) به زبان انگلیسی، اهدا گردید. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد آکادمی: ۰۶۷۵۲۶۸۸۰۵

۳- در سرمقاله (Last but not least)، که استثناء به زبان انگلیسی نام‌گذاری شده است، لوموند با هیجان در ۲۲/۱۰/۲۰۰۴ پیشنهاد کلود تلو را تأیید کرده و مخالفین این پیشنهاد را مورد اهانت قرار داده بود: «ارتش بزرگ فرانکوفونی [زبان فرانسه] حاضر شده و سندی‌ها آماده دفاع از داشته‌هایشان می‌گردند.

۴- رجوع شود به: "در خدمت زبان‌های رومن"، صحبت به زبان فرانسه یا به زبان فرمانروایان، "دیوار زبان انگلیسی" و "زبان دلار"، لوموند دیپلماتیک، به ترتیب مارس ۱۹۹۴، آوریل ۱۹۹۴، مه ۱۹۹۵ و مه ۲۰۰۰.

۵- در مصاحبه با مجله آنژو، مه ۲۰۰۲، آقای کلود هاژ با نوشته‌های واضح [و ساده] و گسترده خویش که از میان آن‌ها به: فرانسوی و قرن‌ها (۱۹۸۷، کودک با دو زبان (۱۹۹۶) و ایست به مرگ زبان‌ها (۲۰۰۰)، همگی منتشر شده توسط اودیل ژاکوب (پاریس)، اشاره می‌کنیم، توانست قشر گسترده‌ای از مردم عادی را جذب نماید.

۶- فرانکوفونی در دنیا ۲۰۰۲-۲۰۰۳، سازمان بین‌المللی فرانکو فونی، هیات مشاوره، لاروس، پاریس، ۲۰۰۳.

۷- لیبراسیون، ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۴.
 ۸- امبرتو آکو - جستجوی زبان ناب در فرهنگ اروپایی، سوی، مجموعه. "پوان"، پاریس، ۱۹۹۷.

۹- رجوع شود به مجموعه مقالات "آموزش زبان‌های زنده در خارج از کشور: شرایط و استراتژی‌ها"، مجله بین‌المللی آموزش، سور، شماره ۳۳، سپتامبر ۲۰۰۳.

۱۰- به مفهوم فرانسه - امریکایی‌ها، واژه پیشنهاد شده توسط هانری گوبار در لوموند دیپلماتیک، دسامبر ۱۹۷۴.

منبع:

<http://ir.mondediplo.com/rubrique47.html>

کم‌تر از ۷۰ میلیون متولد شده انگلیسی زبان می‌باشد. همان‌گونه که امبرتو آکو می‌گوید: "اروپایی چند زبانه آن اروپایی نیست که افراد به راحتی به زبان‌های متعدد صحبت کنند بلکه در بهترین حالت افرادی هستند که می‌توانند با صحبت کردن به زبان ویژه خود و فهم زبان دیگری بی‌آن‌که توانایی صحبت به آن زبان را داشته باشند با یک‌دیگر هم‌فکری نمایند"^۸



بی‌تردید وارد ساختن [آموزش] فهم متقابل زبان‌های رومن از آغاز تحصیلات ابتدایی، دادن دسترسی به فهم دو و یا سه زبان اروپایی به کودکان است. در این مورد، شورای اروپا امکانات باارزشی طراحی کرده، و از جمله هیات عمومی اروپایی مشاوره برای زبان‌ها^۹ که پیشنهاد درجه بندی‌ای به شش رده را داده است و احتمال تسلط به رده‌هایی بسیار متفاوت از توانایی در ظرفیت‌های بیانی و یا ادراکی به یک زبان را برای زبان‌آموز کاملاً به جا می‌شناسد.

از این [موضوع] می‌توان به نتایج آموزشی رسید که تحول بخش [نیز] می‌باشد، چرا که آموزگاران در حال حاضر وظیفه‌شان را همان‌گونه که در برنامه‌ها از پیش تعیین گشته، آموزش هم‌زمان تمام توانایی‌ها می‌پندارند (ابراز نوشتاری و شفاهی، درک نوشتاری و شفاهی)، امری که ماموریتی غیرممکن خواهد بود.